

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پژوهشکده زبان‌شناسی
گروه فرهنگ و زبان‌های باستانی

رساله دکتری رشته فرهنگ و زبان‌های باستانی

تجزیه و تحلیل واژگانی و دستوری و ترجمه فارسی متن ختنی و سغدی سوتره سنگهاته (=یک
جفت پرسش)

استاد راهنما:

دکتر مهشید میرفرخایی

استاد مشاور:

دکتر محمدتقی راشد محصل

پژوهشگر:

مجید پوراحمد

مهر ۱۳۹۸

سپاسگزاری:

نگارنده این سطور بر خود واجب می‌داند که سپاس بیکران خود را به سرکار خانم دکتر مهشید میرفخرایی تقدیم دارد که نه تنها بر نگارنده این رساله منت نهادند و راهنمایی آن را به عهده گرفتند بلکه با صبر و دقتی مثال زدنی بر روی متن حاضر کار کردند و نگارنده این سطور به حق مدیون ایشان است. اگر کمک‌های بی‌دریغ ایشان نبود به یقین این رساله به اتمام نمی‌رسید، زیرا این احقر، خود می‌داند که به تعبیر بی‌هقی "در همه کارها نا تمام است".

سپاس بیکران تقدیم به جناب آقای دکتر محمد تقی راشد محصل که مشاوره این رساله را برعهده گرفتند. شاگردی ایشان و نیز حضور این بزرگوار در رساله حاضر برای نگارنده افتخاری ست بس بزرگ.

همچنین از دوستان و اساتید بزرگوار که دسترسی نگارنده به برخی متون را مهیا کردند نیز تشکر و قدردانی می‌کنم از جمله پرویز اکتار شروو که نه تنها رساله خود را در اختیار بنده گذاشت بلکه برخی مقالات دیگر را نیز برای نگارنده ارسال کرد. علاوه بر ایشان دکتر نیکلاس سیمزویلیامز، مائورو مجی، جان جن، خانم دکتر یوکیو کاسای، دکتر سودابه ملک‌زاده و فدریکو دراگونی نیز منابعی را در اختیار نگارنده قرار دادند.

در پایان از خانواده‌ام بویژه مادر بزرگوارم، که نگارنده جز او پشت و پناهی ندارد، نیز تشکر می‌کنم زیر که شرایط مناسبی را برای بنده فراهم آوردند تا این نوشته به ثمر نشیند.

دوستان و سرورانی که نام ایشان از قلم افتاد عذر خواهی بنده را پذیرا باشند.

تقديم به:

مادرم

چکیده:

ایران کشوری است وسیع با فرهنگ‌ها و زبان‌های متنوع و گوناگون. این حوزه فرهنگی، زبانی و سیاسی در گذشته‌های دور وسیع‌تر نیز بوده است و نشانه‌های این حضور، هنوز و پس از گذشت سالیان نیز قابل مشاهده است. از برخی از این زبان‌ها و فرهنگ‌ها متونی باقی مانده که برای شناخت بهترشان باید آنها را مورد بررسی دقیق علمی قرار داد. یکی از این زبان‌ها، زبان ختنی است. ختن که اکنون در استان شین جیان چین قرار دارد، روزگاری گویشوران و ساکنینی ایرانی داشته است. این شهر که در جنوب جاده ابریشم قرار دارد، یکی از مهم‌ترین مراکز آیین بودایی پیش از اسلام بوده است. درحقیقت می‌توان گفت ختنی‌ها جزو اولین ساکنین محدوده جاده ابریشم بودند که به آیین بودا گرویدند و در گسترش و پذیرش آن در مسیر جاده ابریشم و چین نقش بسیار مهمی ایفا کردند. از این زبان - که در گروه زبان‌های ایرانی میانه شرقی قرار می‌گیرد - متونی باقی مانده که در فاصله پایان سده نوزدهم و دهه‌های آغازین سده بیستم میلادی توسط گروه‌های اکتشافی غربی و ژاپنی پیدا شدند. یکی از این متون، متنی است به نام سوتره سنگهاته. سوتره سنگهاته یکی از طولانی‌ترین متون باقی مانده به زبان ختنی است و همین امر باعث شده که از نظر دستوری و واژگانی از اهمیت بسیاری برخوردار باشد. متن از دو بخش تشکیل شده است؛ بخش نخست که ۱۷۱ بند اول را دربرمی‌گیرد، شامل پرسش‌هایی است که یکی از شاگردان به نام سروشوره از بودا می‌پرسد و بخش دوم از بند ۱۷۱ تا پایان متن یعنی بند ۲۶۱ که شامل پرسش‌های شاگرد دیگری به نام بهی شجی‌سنه است. متن پر است از تشبیهات، استعارات و داستان‌های دلکش با نتیجه‌گیری‌های اخلاقی. این رساله در پنج بخش نگاشته شده است. بخش نخست مقدمه‌ای است که در آن به‌طور مختصر به تاریخ ختن، تاریخچه‌ای از ورود آیین بودایی به آن، پیشینه پژوهش‌هایی که بر روی متن حاضر انجام شده و نیز خلاصه‌ای از داستان نیز آورده شده است. بخش دوم، شامل متن ختنی به همراه ترجمه فارسی آن و متن سنسکریت که در پاورقی آمده است. بخش سوم شامل یادداشت‌های زبانی و توضیحاتی درباره اصطلاحات بودایی که در متن آمده است. بخش چهارم واژه‌نامه است که به صورت ریشه‌شناختی تهیه شده و در بخش پایانی کتابنامه و پیوست‌ها قرار گرفته که شامل نسخه‌های دیگر ختنی است که اخیراً کشف شده است؛ علاوه بر این، ترجمه سغدی متن به همراه یادداشت‌ها و واژه‌نامه نیز آورده شده است.

کلیدواژه‌ها: زبان‌های ایرانی میانه شرقی، ختن، زبان ختنی، زبان سغدی، سوتره سنگهاته، آیین بودا.

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۱
اهداف پژوهش.....	۲
پیشینه پژوهش.....	۲
روش کار.....	۳
کوتاه‌نوشت‌ها.....	۴
۱- مقدمه.....	۵
۱-۱- تاریخچه مختصر سرزمین ختن.....	۶
۲-۱- نام ختن و افسانه‌های مرتبط با بنیان آن.....	۷
۳-۱- مسافران و زائران چینی.....	۸
۴-۱- آیین بودایی در ختن و افسانه‌های مرتبط با آن.....	۱۰
۵-۱- زبان ختن.....	۱۳
۶-۱- ادبیات بودایی در ختن.....	۱۶
۷-۱- وزن شعر در ختنی.....	۱۸
۸-۱- فنون ترجمه.....	۱۹
۹-۱- ختن و زبان ختنی و بازمانده‌های آن در ایرانی نو.....	۲۲
۱۰-۱- ختن و شاهنامه، شاه‌ویشه و پیران‌ویسه.....	۲۳
۱۱-۱- سیاوش و کوناله.....	۲۴
۲- معرفی متن.....	۳۲

- ۱-۲ - تاریخ متن ختنی سوتره سنگهاته..... ۳۳
- ۲-۲ - یک یا چند گونه متن ختنی؟..... ۳۳
- ۳-۲ - تاریخ نگارش متن..... ۳۴
- ۴-۲ - املاء و زبان..... ۳۴
- ۵-۲ - خلاصه از سوتره سنگهاته..... ۳۵
- ۶-۲ - ترجمه‌های دیگر سوتره سنگهاته..... ۳۸
- ۳ - حرف‌نویسی متن ختنی، برگردان فارسی و متن سنسکریت..... ۳۹
- ۱-۳ - متن سوتره سنگهاته..... ۴۰
- ۴ - یادداشت‌ها..... ۲۰۵
- ۱-۴ - یادداشت‌های زبانی و شرح اصطلاحات بودایی بکار رفته در متن..... ۲۰۶
- ۵ - واژه‌نامه..... ۳۱۱
- ۱-۵ - واژه‌نامه به ترتیب الفبای سنسکریت..... ۳۱۲
- ۶ - پیوست‌ها..... ۶۲۹
- ۱-۶ - قطعات ختنی که پس از تصحیح کاناوشینی پیدا شدند..... ۶۳۰
- ۲-۶ - ترجمه سغدی متن سوتره سنگهاته..... ۶۴۰
- ۷ - کتابنامه:..... ۶۷۳
- ۱-۷ - منابع فارسی..... ۶۷۴
- ۲-۷ - منابع لاتین..... ۶۷۵

مرغ بر بالا پران و سایه‌اش
می‌دود بر خاک پران مرغ‌وش
ابلهی صیاد آن دانه شود
می‌دود چندان که بی‌مایه شود
(مثنوی، دفتر اول)

پیشگفتار

یکی از راه‌های شناخت ما از ایران باستان خوانش و بررسی متونی است که از آن دوره باقی مانده است. بررسی این متون نه تنها در شناخت بهتر آن دوره کمک می‌کند بلکه ارتباط و بازمانده‌های فرهنگی و زبانی آن را با دوره اسلامی نیز آشکار می‌سازد؛ بنابراین بررسی دقیق و علمی متون پیش از اسلام از اهمیت بالایی برخوردار است.

متون پیش از اسلام را به دو دوره زمانی باستان و میانه تقسیم کرده‌اند. در دوره باستان زبان‌هایی مانند اوستایی، فارسی باستان، مادی و سکایی قرار می‌گیرند که تنها از دوتای نخست متونی به جا مانده است. اما تعدد متونی که از زبان‌های دوره میانه باقی مانده به مراتب بیشتر از دوره باستان است. در این دوره متونی از زبان‌های فارسی میانه (پهلوی و مانوی)، پارتی (شامل تعدادی کتیبه و نیز متون مانوی)، سغدی، ختنی، خوارزمی و بلخی باقی مانده است، که این‌ها را نیز به دو دسته ایرانی میانه غربی و ایرانی میانه شرقی تقسیم کرده‌اند. بواسطه پژوهش‌های پرشمار، دانش ما از زبان‌های ایرانی میانه غربی به مراتب بیشتر از زبان‌های ایرانی میانه شرقی است. بنابراین پژوهش درباره متون بازمانده از ایرانی میانه شرقی بسیار مهم می‌نماید.

یکی از زبان‌های ایرانی میانه شرقی، زبان ختنی است. که دو دسته متن از آن به جای مانده است. دسته‌ای متون دینی که ترجمه متون بودایی است و دسته دیگر متون غیر دینی مانند متون اقتصادی، پزشکی و بررسی متون ختنی از آن رو مهم هستند که می‌توانند به شناخت بهتر ما از آن زبان و فرهنگ ایران پیش از اسلام بویژه مناطق شرقی آن کمک کنند و گاه به برخی از پرسش‌های ما درباره دسته‌ای از ساختارهای ادبی و زبانی در ادبیات پس از اسلام نیز پاسخ می‌دهند.

اهداف پژوهش

رساله حاضر پژوهشی است بر روی متن ختنی-بودایی سوتره سنگهاته. در این رساله، متن سوتره به فارسی ترجمه شده و متن سنسکریت آن نیز در پاورقی آورده شده است. از آنجا که متن، متنی بودایی است بهتر آن دیدیم که برخی از اصطلاحات بودایی به کار رفته در متن را نیز در بخش یادداشت‌ها توضیح دهیم. در بخش سوم، واژه‌نامه قرار گرفته است. واژه‌نامه به صورت اشتقاقی تنظیم شده است. در بخش پایانی هم نسخه سغدی و نسخه‌هایی که پس از کار کاناوشینی پیدا شدند، آمده است.

پیشینه پژوهش:

زمانی که لیمان^۱ در سال ۱۹۰۷ سه نسخه از متن ختنی سوتره سنگهاته را باز شناخت، این متن با نسخه‌های چینی (متعلق به قرن‌های ششم و قرن دهم میلادی) و نسخه تبتی (قرن نهم میلادی) شناخته شده بود. لیمان و کونو^۲ به ترتیب در سال ۱۹۲۰ (N) و ۱۹۳۲ (Saka Studies) نسخه‌های بیشتری را یافتند و منتشر کردند. در میان یافته‌های انبوه کشف شده در گیلگیت^۳ در دهه ۱۹۳۰، نسخه سنسکریت متن نیز پیدا شد. متن سنسکریت در چهار نسخه در سال ۱۹۳۱ و سه نسخه در ۱۹۳۸ کشف شد. اوسکار فون هینوبر^۴ تاریخ این نسخ را به قرون شش و هفت میلادی رساند. برخی نسخه‌های سغدی این متن نیز اخیراً در مجموعه‌های برلین و سنت پترزبورگ پیدا شدند.

دو نسخه چینی متن در مجموعه تایشو ایسایکیو (Taishō Issaikyō, XIII, Nos. 423 and 424) تصحیح شده بودند. لیمان در چهل و یک صفحه نخست N هجده نسخه ختنی را تصحیح، به آلمانی ترجمه و یادداشت نویسی کرد. کونو نیز همه نسخه‌های متن را در مطالعات سکایی (Saka Studies) به چاپ رساند. نسخه‌هایی که او چاپ کرد شامل نسخه‌های لیمان نیز می‌شد. او متن را به انگلیسی ترجمه و متن تبتی را نیز ضمیمه کرد. گون تیلکه^۵ نخستین کسی بود

¹ Leumann

² Konow

³ Gilgit

⁴ Oskar von Hinüber

⁵ R.A. Gunatilaka

که نسخه‌های سنسکریتی را که در ۱۹۳۱ کشف شده بود در پایان‌نامه‌اش (Sgh67) تصحیح کرد و گونه تبتی را نیز در کنار آن آورد. اُسکار فون هینوبر نسخه‌های ختنی کشف شده تا آن زمان را به همراه نسخه‌های ۱۹۳۱ سنسکریت در سال ۱۹۷۳ تصحیح کرد (Sgh 73). دو اثر اخیر یعنی گون‌تیلگه و اُسکار فون هینوبر به چاپ نرسیده‌اند. پس از کشف سه نسخه دیگر متن در شرینگر، فون هینوبر آن‌ها را نیز بر تصحیح خود اضافه کرد.

روش کار

این رساله شامل یک مقدمه، پنج بخش به‌همراه واژه‌نامه، کتاب‌نامه و پیوست تدوین شده است. در مقدمه درباره موقعیت ختن، نام ختن، زبان ختنی، ادبیات و وزن شعر توضیحات مختصری داده شده است. در بخش نخست، متن ختنی و متن سنسکریت (در پاورقی) حرف‌نویسی شده و متن ختنی به فارسی ترجمه شده است. متن ختنی کامل نیست - بندهایی از آن به‌طور کامل موجود نیست و برخی واژه‌ها در میانه متن نیز افتاده‌اند - در نتیجه برای آن که بافت متن دچار گسست نشود، ترجمه فارسی این بندها از روی متن سنسکریت به صورت *یتالیک* در متن مشخص شده‌اند. در بخش دوم یادداشت‌ها آورده شده است که شامل یادداشت‌های زبانی و توضیح مفاهیم و اصطلاحات دینی و فرهنگی آیین بودایی است؛ واژه‌هایی که در بخش یادداشت‌ها توضیحات دارند، در متن ختنی و یا ترجمه فارسی آن به صورت تیره (=bold) مشخص شده‌اند. بخش سوم، واژه‌نامه است که در آن واژه‌های بکار رفته در متن ختنی تجزیه و تحلیل شده و معادل سنسکریت بودایی آن مقابل هر واژه داده شده است. ترتیب واژه‌ها بر اساس الفبای سنسکریت است. برای ریشه‌شناسی واژه‌ها، سعی شده صورت‌های ایرانی باستان، اوستایی، فارسی باستان، فارسی میانه، پارتی، سغدی، فارسی نو، آسی، پشتو، بلوچی، واخانی، ساریکولی و غیره داده شود. متن سوتره سنگهاته به ختنی قدیم است و سعی شده حتی الامکان صورت ختنی جدید واژه‌ها نیز داده شود. صفت‌های فاعلی و مفعولی زیر ماده فعل مورد نظر آورده شده‌اند. در بخش بعدی کتاب‌نامه فارسی و لاتین آمده و در پایان بخش پیوست‌ها قرار گرفته که شامل قطعات جدیدتر ختنی است که اخیراً کشف و خوانده شده‌اند. همچنین نسخه

⁶ śrīnagar

سغدی متن به همراه ترجمه فارسی، یادداشت‌ها و واژه‌نامه - که واژه‌های مشابه آن به واژه‌نامه ختنی ارجاع داده شده- آمده است.

کوتاه‌نوشت‌ها

اسم	ا.	فا.	فارسی
اسم خاص	ا.خاص.	ف.	فعل
اوستا	او.	ق.	قید
جلد	ج.	ص.	صفت
حرف اضافه	ح.ا.	ص.ا.	صفت الزامی
حرف ربط	ح.ربط	ص.ض.ا.	صفت/ضمیر اشاره
سغدی	سغ.	ص.ف.	صفت فاعلی
سنسکریت	سن.	ص.م.	صفت مفعولی
عدد	ع.	ض.	ضمیر

شروو. پرودز اکتار شروو (The Khotanese Suvarṇabhāsottamasūtra, 2004)

مونیه. مونیه مونیه ویلیامز (Sanskrit-English Dictionary, 1872)

SGS Saka Grammatcal Studies, Emmerick ۱۹۶۸

DKS Dictionary of Khotan Saka, Bailey, ۱۹۷۹

مقدمه

۱-۱- تاریخچه مختصر سرزمین ختن

تاریخ ختن به جغرافیای آن گره خورده است. واحه‌ای در جنوب شرقی بیابان تکلمکان^۷ و نقطه‌ای مهم در جاده ابریشم. در شمال ختن، کرکاش^۸ و رود یورونگ‌کش^۹ قرار دارد و در جنوب کوه‌های کُن‌لن^{۱۰} واقع شده است. در دوره پادشاهی خاندان تانگ^{۱۱} در چین، این مسیر بسیار شلوغ و پر رفت و آمد بود. امروزه بزرگراه شماره ۲۱۷ چین از این مسیر می‌گذرد. ختن بخاطر موقعیت جغرافیایی ممتازش همواره مورد توجه قدرت‌های منطقه بوده است. هر قدرتی که می‌خواست بر منطقه تاریم باسین^{۱۲} تسلط یابد باید بر ختن مسلط می‌شد. ختن جایی بین صحرای تکلمکان در شمال و کوه‌های کُن‌لن در جنوب محصور شده، زمین‌های قابل کشت محدود آن باعث شده توانایی تامین مایحتاج جمعیت کمی را نیز داشته باشد. این محدودیت، دست پادشاهان ختن را برای ایجاد نیروی نظامی بزرگ مانند دیگر قدرت‌های منطقه و یا حتی پشتیبانی نظامی از آن‌ها می‌بست. (Zhan, 2016 : 51-52).

در سال‌های بین قرن هفتم تا نهم میلادی قدرت‌های بزرگ منطقه در پی تسلط بر آسیای مرکزی بودند و از آنجا که ختن منابع کافی برای دفاع از خود نداشت، مجبور بود گاه‌گاه با یکی از این قدرت‌ها هم‌پیمان شود؛ گاهی با ترکان غربی، گاه با خاندان تانگ در چین و گاهی با تبتی‌ها. از طرفی شرایط جغرافیایی ویژه و منابع محدود این قدرت‌ها باعث می‌شد که نتوانند بر ختن تسلط کامل و مستقیم داشته باشند؛ بنابراین شاه ختن با هم‌پیمانی هریک از این قدرت‌ها قادر بود تا خودمختاری خود را حفظ کند. می‌توان تاریخ ختن (بین قرن‌های هفتم تا نهم میلادی) را به دوره‌های زیر تقسیم کرد:

۱: پیش از سال ۶۵۸: زیر نظر ترکان غربی.

۲: بین سال‌های ۶۵۸ تا ۶۹۲: گاه زیر نظر خاندان تانگ و گاه بین تبتی‌ها.

⁷ Taklamkan

⁸ Karakash

⁹ Yurungkash

¹⁰ Kunlun

¹¹ Tang

¹² Tarim Basin

۳: از ۶۹۲ تا ۷۵۵: زیر نظر خاندان تانگ.

۴: از ۷۵۵ تا ۷۹۰: دوره جدایی از خاندان تانگ.

۵: از ۷۹۰ تا ۸۴۰: زیر نظر تبتی‌ها.

۶: از ۸۴۰ تا ۱۰۰۷: دوره استقلال ختن (Zhan, 2016: 53-54).

۱-۲- نام ختن و افسانه‌های مرتبط با بنیان آن:

توصیفات ژوان جان^{۱۳} دانشمند چینی-بودایی که در سال ۶۲۹ میلادی به ختن مسافرت کرد - و مشاهداتش بعدها توسط شاگردانش نوشته شد- شامل چهار افسانه گوناگون درباره بنیان ختن است. هر چهار افسانه با اشوک^{۱۴} پادشاه هند که در قرن سوم پیش از میلاد فرمانروایی می‌کرد و پسرش کوناله^{۱۵} و نیز شرح بنیان ختن توسط گروهی از هندیان که به آن منطقه آمده بودند، ارتباط پیدا می‌کنند. در سه تای این افسانه‌ها آمده که جمعیت هندی ختن با گروه‌های چینی ترکیب شده‌اند. یافته‌های باستان‌شناسی این افسانه‌ها را تایید می‌کنند؛ در ختن و نواحی اطراف آن شواهد محکمی از حضور آیین بودا و جمعیتی مرکب از چینی‌ها و احتمالاً ایرانی‌ها وجود دارد. چندین سکه از مناطق مختلف ختن، بویژه یوتقن^{۱۶} یافت شده است، که اورل استاین^{۱۷} آن را پایتخت قدیم ختن می‌دانست. این سکه‌ها که متعلق به قرن اول هزاره حاضرند شامل افسانه‌هایی به خط کهروشتی (=خروشتی) و چینی هستند که نام چند پادشاه ییدی^{۱۸} بر آن‌ها نقش بسته است که احتمالاً تلفظ چینی نام‌های ختنی در آن دوره هستند (شروو، ۲۰۱۲: ۱۰۸).

در هر چهار افسانه آمده است که نخستین شاه بومی ختن با وساطت ویشرو^{۱۹}نه از زمین زاده شد. این افسانه سعی

دارد تا نام هندی ختن، یعنی گوستنه^{۲۰} را توجیه کند که تحت‌اللفظی "پستان زمین" معنی می‌شود (شروو، ۲۰۱۲: ۱۰۸).

¹³ Xuanzang

¹⁴ Aśoka

¹⁵ Kuṇāla

¹⁶ Yotkan

¹⁷ Aurel Stein

¹⁸ Yidi

¹⁹ Vaiśravaṇa

²⁰ Gostana

البته باید در نظر داشت که این معنی، نوعی اشتقاق عامیانه است و معنی درست واژه را نمی‌رساند. شکل بومی نام ختن یعنی Hvatana (که Hwadana تلفظ می‌شده) در یکی از قدیمی‌ترین نسخه‌های متن "سوتره روشنایی عالی زرین"^{۲۱} -متعلق به قرن پنجم یا ششم میلادی- آمده است. شکل چینی اولیه واژه ختن در سکه‌ها، یوژی^{۲۲} است، اما بعدتر در سالنامه‌های سلسله‌های چینی صورت یوتین^{۲۳} معمول می‌گردد. مورد دوم شکل اصیل واژه است که به نام محلی ختن نیز شباهت بیشتری دارد؛ در متون تبتی نیز نام ختن به صورت U-then ضبط شده است. بعدها نام ختن در چینی به صورت Hetian ضبط شده که از نظر آوایی همخوانی بیشتری با واژه ختن دارد. رایج‌ترین نام برای ختن در متون تبتی Li-yul یعنی "کشور لی" است که هنوز برای توجیه آن توضیحی ارائه نشده است (شروو، ۲۰۱۲: ۱۰۹).

۳-۱- مسافران و زائران چینی:

فاسیان^{۲۴} نخستین مسافر چینی است که گزارشش از ختن موجود است. او برای یافتن نسخه‌ای کامل از کتابی بودایی راهی هند شد و در مسیرش، در ختن نیز اقامتی داشت. مسافران بعدی یعنی سونگ یون^{۲۵} و همراهش هوی شنگ^{۲۶} نیز بنا به دلیلی مشابه راهی هند شدند و اطلاعات جالبی درباره ختن و شاه آن ارائه می‌کنند (شروو، ۲۰۱۲: ۱۰۹): شاه ختن سرپوشی به شکل تاج خروس و از جنس ابریشم بر سر می‌گذارد، زنان ختنی نیز همچون مردان بر اسب سوار می‌شوند، جسدها سوزانده و استخوان‌ها در استوپه‌های^{۲۷} کوچکی دفن می‌شوند بجز جسد شاه که در تابوتی گذاشته و سپس در بیابان دفن می‌شود (شروو، ۲۰۱۲: ۱۱۰).

ژوان جان نیز که در سال ۶۲۹ میلادی به قصد هند به راه افتاد در ختن اقامتی داشته است. شهرت ژوان جان سبب شد که شاه ختن شخصاً پذیرای او باشد و در زمان حضورش در ختن، در یکی از صومعه‌های مکتب سرواستی‌وادی^{۲۸} اقامت داشت (شروو، ۲۰۱۲: ۱۱۰).

²¹ Suvarṇabhāsottama-sūtra

²² Yuzhi

²³ Yutian

²⁴ Faxian

²⁵ Song Yun

²⁶ Huisheng

²⁷ stūpa

²⁸ Sarvāstivādin

جالب این که جزییاتی که هر سه مسافر درباره شهرها و مردمی که در مسیرشان با آنها مواجه شدند، ارائه می‌کنند بسیار به هم شبیه است و این اطلاعات را اسناد بعدی بدست آمده از ختن نیز تایید می‌کنند. آنها یادآور می‌شوند که ختن بخاطر موسیقی‌اش مشهور است و این که مردان عاشق آواز خواندن و رقصیدن‌اند. نمایش‌های مذهبی در ختن بسیار مورد توجه و اقبال عام بوده‌اند. واژه‌ای که در ختنی برای نامیدن این دست نمایش‌ها بکار می‌رفته است در ختنی قدیم *nālai* (و در ختنی جدید: *naule*) است که خود وام‌واژه‌ایست از سنسکریت (*nāṭaka*) و در متون تبتی به صورت *no-le* ضبط شده است (شروو، ۲۰۱۲: ۱۱۰).

در افسانه‌هایی که درباره بنیان ختن مطالبی دارند، هیچ اشاره‌ای به حضور ایرانیان در آن سرزمین نشده است و تنها اسناد کهنروستی متعلق به قرن سوم میلادی که در نیا^{۲۹} و اطراف آن یافت شده‌اند، تایید می‌کنند که زبان ختنی زبانی ایرانی بوده است. در سندی که در اندر^{۳۰} پیدا شده، شاه ختن لقب فرمانده سپاه (*hinajha*) دارد که ترجمه واژه سنسکریت *senāpati* است. در این سند برای نخستین بار به عنوان خاندان شاه ختن برمی‌خوریم که در سنسکریت به صورت *Vijita*، در تبتی *Bi-dza-ya* و در چینی به صورت *Yuchi* ضبط شده است. صورت ختنی این نام ویشیه *Viśya* (که *Viśya* تلفظ می‌شده) است که در دوره‌های بعد به صورت ویشه *Visa* (که *Viśa* تلفظ می‌شده) درآمد است (شروو، ۲۰۱۲: ۱۱۰)؛ ویشه لقب آخرین پادشاه ختن پیش از هجوم مسلمانان در اواخر هزاره نخست میلادی نیز بوده است. ← بخش ختن و شاهنامه

۱-۴- آیین بودایی در ختن و افسانه‌های مرتبط با آن:

اگرچه افسانه‌های مربوط به بنیان ختن به دوره شاه آشوک برمی‌گردند اما بنظر می‌رسد که ورود آیین بودایی به ختن در دوره‌های بعدتر صورت گرفته باشد. بنابر افسانه‌ای که در متن تبتی "پیش‌گویی کشور لی" آمده، این خود بودا و نزدیک‌ترین شاگردانش بودند که دریاچه‌ای را خشکاندند و همان منطقه جایگاه کشور لی شد؛ اما طبق افسانه‌ای که ژوان جان ذکر کرده این آرّهت و پروچنه^{۳۱} کشمیری بود که اولین بار قانون بودایی را در ختن وعظ کرد. متن تبتی پیش‌گویی کشور لی

²⁹ Niya

³⁰ Endere

³¹ Vairocana

ورود آیین بودایی به ختن را ۱۶۵ سال پس از تاسیس پادشاهی آن ذکر کرده که این تاریخ پیش از میلاد مسیح خواهد بود؛ البته نمی‌توان به راحتی به این اطلاعات اعتماد کرد (شروو، ۲۰۱۲: ۱۱۱).

در منابع چینی، ختن مرکز آیین بودایی و منبعی برای متون سنسکریت و ترجمه آنها به چینی در نخستین سده‌های هزاره اول پس از میلاد است. نخستین شهادتی که ختن و آیین بوداییش را توصیف کرده‌اند، گزارش‌های مسافران چینی است. فاسیان و مسافران بعد از او گفته‌اند که همه ختنی‌ها بودایی هستند و سالنامه‌های چینی نیز این نکته را تأیید می‌کنند. باید متذکر شد که در سالنامه‌های خاندان تانگ از نوعی آیین خدای آسمانی در ختن یاد شده است. این مطلب بدون شک به دین مزدیسنی باقی مانده در ختن اشاره دارد. در اثبات این موضوع باید یادآور شد که زبان ختنی تعداد اندک اما بسیار مهمی از واژه‌ها و نام‌های ایزدی‌اش را از دین کهن خود گرفته است. مهمترین این واژه‌ها، واژه خورشید یعنی *urmaysde* (در حالت نهادی مفرد) است که بازمانده مستقیم *Ahuramazdā* خدای برتر دین ایرانی باستان است. در میان نام‌های دیگر می‌توان به *Śśandrāmātā* ختنی که در متون بودایی برابر *Śrī* است، اشاره کرد. این نام ختنی همان سپندارمذ (*Spəntā ārmaitī*) اوستایی یکی از امشاسپندان است. جدای از این شواهد واژگانی اندک متعلق به دوره پیش بودایی، شاهد متنی دیگری در متون ختنی وجود ندارد و متون بازمانده دینی همه به آیین بودایی تعلق دارند (شروو، ۲۰۱۲: ۱۱۱).

همه مسافران چینی از تعداد زیاد راهبان بودایی در ختن یاد کرده‌اند. فاسیان در چهارده رهبانگاه مهم در ختن اقامت داشته است؛ رهبانگاه گومتی^{۳۲} شامل سه هزار راهب بوده و ژوان جان در گزارشش گفته که در پادشاهی ختن حدود صد رهبانگاه و پنج هزار پیرو بودایی وجود دارند و همه آنها مه‌ایانه را می‌آموزند. مسافران بعضاً جزئیاتی از جشن‌های مذهبی محلی را نیز توصیف می‌کنند. فاسیان می‌گوید که در سه ماهی که در ختن اقامت داشته، شاهد جشنی بهاری بوده که چهارده روز طول کشیده و در آن دسته‌هایی متشکل از چهارده تصویر از چهارده رهبانگاه بر روی ارابه‌هایی به طرف شهر حمل می‌شده که بسیار تزیین شده بودند. شاه، با پاهایی برهنه و بدون تاج بر سر، به استقبال این تصاویر در ورودی شهر

³² Gomatī

می‌رفته و به آنها عطرها و گل‌ها تقدیم می‌کرده و همزمان شهبانو و همراهانش بر روی ارابه گل می‌ریختند (شروو، ۲۰۱۲: ۱۱۲).

مسافران چینی چندین افسانه درباره مکان‌های مقدس و معجزاتی که در آنها رخ داده، نقل کرده‌اند. برخی از این افسانه‌ها در متون تبتی نیز ذکر شده است. دوتای این افسانه‌ها درباره ورود آیین بودایی به ختن است. بنابر یک افسانه آر‌هت و پروچنه از کشمیر آمد و در ختن به مراقبه نشست. شاه درباره این مرد غریبه شنید و رفت که او را ببیند. ارهت به او گفت که پیرو بوداست و شاه نیز باید آیین او را بپذیرد. او قول داد که اگر شاه رهبانگهی بسازد، آنقدر تقوی بدست خواهد آورد که بتواند خود بودا را ببیند. هنگامی که رهبانگه به پایان رسید، آنها زنگی نداشتند تا بر بالای رهبانگه بگذارند، اما بخاطر ایمان شاه، بودا به ناگاه در آسمان ظاهر شد در حالی که زنگی به دست داشت؛ آن را به شاه داد و بدین ترتیب ایمان او را تایید کرد. این، سرآغاز گسترش آیین بودایی در ختن بود (شروو، ۲۰۱۲: ۱۱۲).

افسانه دیگر می‌گوید یک‌بار که بودا داشت قانون را برای خدایان در کوه گوشرنگه^{۳۳} -کوهی در جنوب غربی ختن- می‌خواند، پیش‌گویی کرد که روزی در این جا پادشاهانی خواهند آمد که به آیین بودایی عمل خواهند کرد (شروو، ۲۰۱۲: ۱۱۲).

افسانه دیگری نیز به دست ما رسیده است که نشان از وجود مخالفت در عرضه آیین بودایی در ختن دارد. بنابر یکی از این روایات، شهر په‌مه^{۳۴} در شرق ختن- که بخاطر اسنادی که از قرن هشتم تا دهم در آن کشف شده مشهور است- تصویری بسیار بزرگ از بودا داشت که این تصویر معجزات بسیاری می‌کرد از جمله درمان‌گری. طبق این افسانه محلی، تصویر ابتدا در هند قرار داشت اما هنگامی که بودا این جهان را ترک کرد تصویرش به هوا بلند شد (شروو، ۲۰۱۲: ۱۱۲) و به سوی شمال و پادشاهی ختن، جایی که مردمان نادان و کافر بودند، پرواز کرد و در میان این مردم فرود آمد. سپس ارهتی به این تصویر پناه داد اما شاه این مرد را دستگیر کرد و او را با خاک و شن پوشاند. تنها یک مرد در آن شهر دلش به حال ارهت سوخت و به او خوراک و نوشاک داد. ارهت به مرد هشدار داد که در هفت روز آینده آنقدر از آسمان خاک و

³³ Gośṛṅga

³⁴ Phema

شن خواهد بارید که شهر زیر آن مدفون خواهد شد و هیچ کس از آن نجات نخواهد یافت. پس مرد باید پیش از این واقعه شهر را ترک کند. مرد به خویشانش موضوع را گفت اما هیچ کس او را جدی نگرفت، بنابراین آن مرد راهی زیرزمینی به خارج شهر کند. پس از آن که پیش‌گویی ارهت محقق شد او از همان راه از شهر خارج شد. هنگامی که او به شهر په‌ما رسید، تصویر بودا ظاهر شد و در آن شهر مستقر گردید (شروو، ۲۰۱۲: ۱۱۳).

از افسانه‌های غیر دینی تنها به دو مورد اشاره خواهد شد. در اولی می‌خوانیم که چگونه موش‌های صحرائی از حمله ژیونگ‌نو^{۳۵} به ختن جلوگیری کردند. در غرب ختن بیابانی بود که در آن موش‌های صحرائی زندگی می‌کردند و جوجه تیغی‌هایی با پشم‌های طلایی و نقره‌ای شکار می‌کردند. یک روز صبح سرکرده موش‌ها از خاک‌ریزش بیرون آمد و در اطراف قدمی زد و پس از او دیگر موش‌ها نیز بیرون آمدند. ژیونگ‌نو با سپاه پرشمارش قصد حمله به ختن داشت. هنگامی که شاه ختن این موضوع را شنید با مشاورانش مشورت کرد و آنها پیشنهاد کردند که (با موش‌ها پیمانی ببندد که) اگر موش‌ها به شاه در شکست دادن ژیونگ‌نو کمک کنند، او و مردمش موش‌های صحرائی را خواهند پرستید. پس از این، شاه خوابی دید و در آن موشی به او گفت: پیش برو و به ژیونگ‌نو حمله کن. شاه چنین کرد، هنگامی که لشکر دشمن خواست از خودش دفاع کند، متوجه شد که موش‌ها همه چرم‌ها (وسایل دفاعی) را خورده‌اند. دشمن به راحتی شکست خورد و از آن زمان به بعد ختن به موش‌های صحرائی پناه داد (شروو، ۲۰۱۲: ۱۱۳).

در افسانه غیر دینی دیگری می‌خوانیم که چگونه کرم ابریشم به ختن وارد شد. شرح مختصرتر و کمی متفاوت‌تری از این افسانه در متن پیش‌گویی کشور لی آمده است. اما مطابق داستان ژوان‌جان راز درست کردن ابریشم توسط شاه حسود کشور شرقی (=چین) محافظت می‌شد و او اجازه نمی‌داد کسی درخت توت بکارد یا تخم کرم ابریشم صادر شود. شاه ختن از شاه چین زرنگ‌تر بود و با ازدواج با دختر شاه چین توانست به تخم ابریشم دست یابد. دختر شاه چین آنها را در سرپوشش پنهان کرد و محافظان نیز سرپوش او را نگاشتند و او توانست تخم ابریشم را از چین خارج کند و بدین ترتیب تولید ابریشم در ختن آغاز شد. نکته جالب توجه اینکه این دو افسانه بر روی دیواری در داندان اویلیق^{۳۶} نقاشی شده‌اند و بنظر می‌رسد

³⁵ Xiongnu

³⁶ Dandan Öiliq

که این داستان‌ها بسیار مشهور و مورد اقبال مردم بوده‌اند اما هیچ نشانه‌ای از این افسانه‌ها در ادبیات ختنی دیده نمی‌شود (شروو، ۲۰۱۲: ۱۱۳).

۱-۵- زبان ختن:

زبان سکایی از جمله زبان‌های ایرانی میانه شرقی است که به دو گویش تمشقی (گویش شمالی) و ختنی (گویش جنوبی) تقسیم می‌شود. ختنی و تمشقی را می‌توان گویش‌های مختلفی از یک زبان دانست. زبان ختنی تنها محدود به ختن نبوده و مناطق وسیع‌تری را شامل می‌شده است: از کاشغر تا تمشق واقع در شمال صحرای تکلمکان و از کاشغر تا ختن واقع در جنوب این صحرا. تمشقی به لحاظ زبانی کهن‌تر از ختنی است اما به علت کم بودن منابع، اطلاعات کمی از آن در دست داریم (تفضلی، ۱۳۷۸: ۳۶۵). اسناد موجود ختنی احتمالاً به قرون ۵ تا ۱۰ میلادی تعلق دارند. متون اولیه اغلب دینی هستند؛ اما از قرن ۸ تا ۱۰ میلادی متون غیر دینی نیز تالیف شده‌اند که درباره تاریخ و جامعه ختنی اطلاعاتی به دست می‌دهند (Skjaervø, 2004: lxxii).

زبان ختنی ابتدا توسط رودولف هرنل^{۳۷} کشف شد. او در مقاله‌ای (Hoernle, 1901: pp. 32-33) پیشنهاد کرد که زبان به کار رفته در این نسخه‌ها (نسخه‌های ختنی) "گویشی هندوایرانی" است. حدس او به این دلیل بود که در این نسخه‌ها تعداد بسیاری واژگان قرضی هندی به کار رفته بود. ارنست لوی‌مان^{۳۸} عنوان کرد که این زبان شاخه‌ای مستقل در زبان‌های هندوایرانی است. بعدها رایشلت^{۳۹} (۱۹۱۲) و کونو^{۴۰} (۱۹۱۲) ویژگی‌های ایرانی این زبان را اثبات کردند و معلوم شد که ختنی زبانی ایرانی و مرتبط با زبان‌های ایرانی دیگری همچون اوستا، فارسی باستان، پهلوی و کردی و غیره است (Skjaervø, 2004: lxxii).

³⁷ A. F. Rudolf Hoernle

³⁸ Ernst Leumann

³⁹ H. Reichelt

⁴⁰ Sten Konow

ستاکیهای مختوم به -a: نهادی- مفرد: -ä، رای- مفرد: -ä > -u؛ ستاکهای مختوم به -ā: نهادی- مفرد: -a، رای- مفرد: -o
 -a > و غیره. تنها مورد استثنا در این همسان شدگی صرف ضمائر اشاره ttu رای- مفرد- مذکر: "آن" و ttū "این" و ttuā, tvā رای- مفرد- مذکر: "این" هستند.

در ستاکهای مختوم به -ī کامی شدگی رای- مفرد به نهادی- مفرد نیز گسترش یافته است: نهادی- مفرد: gyastä، رای- مفرد gyaštu: "ایزدبانو" gyastä نهادی/ رای- مفرد > gyaštu؛

تکوژهای جدید: دری- جمع: -vā- برای ختنی قدیم: (ʔ) -uvo؛ مضارع- تمنایی- اول شخص مفرد: -īme و غیره.

اشکال جدید تکوژهای قدیمی: برای/ وابستگی- جمع: -ām > -ānu؛ مضارع- اخباری- اول شخص مفرد: -ūm > āmā و غیره.

نگارش: استفاده از قلاب زیر واژه برای نشان دادن صامت سایشی واکدار: 'ši برای ختنی قدیم: šä، غیره (Skjaervø, 2004: lxxiii).

ختنی میانه از روی رونوشت متون ترجمه شده ختنی قدیم و یا ترجمه‌های جدید از روی متون سنسکریت شناخته می‌شود. بیشتر متون مالی/ اقتصادی و اسناد قانونی از این دوره هستند؛ ختنی میانه متعلق به قرن‌های هفتم و هشتم است. چندین متن ختنی قدیم در دوره ختنی میانه رونوشت شده‌اند و گاهی کاتب تلاش کرده تا املا را به سبک کهن بنویسد و اشکال پیوندی/ دوگانه بسیاری بوجود آمده است مانند himyetä برای himye + hämätä ختنی قدیم، یا kṣa'ta' برای kṣäta, kṣäta' + kṣa' ختنی قدیم (Skjaervø, 2004: lxxiii).

ختنی جدید: ختنی جدید زبان ختن است که در دوره استیلای تبتی‌ها (۸۵۰ میلادی) بکار می‌رفته است. ادبیات ختنی در ۱۵۰ سال بعدی به فعالیت خود ادامه می‌دهد تا اینکه در سال ۱۰۰۶ میلادی زیر سلطه مسلمانان درمی‌آید. ویژگی‌های این دوره شامل تحولات نظام آوایی بویژه در نظام مصوت‌ها، از بین رفتن مصوت‌های مرکب و یکی شدن بسیاری از مصوت‌هایی که در دوره‌های پیشین از هم متمایز می‌شدند. ویژگی‌های ختنی جدید شامل موارد زیر است:

مشخصات آوایی: از بین رفتن مصوت پایانی پس از غنه‌ها: -a, -am, > -anä و غیره.